# مثال وضوگرفتن برای غایات متعدده

آن چه که الآن می‌خواهم عرض کنم، یک فرع خیلی خوبی در عروه است. مرحوم سید برای تکمیل بحث‌های دیروز دارند. در همین عروه شش جلدی، جلد اول است که دو صفحه دارد. در هر دو صفحه مرحوم سید آن را مطرح کرده‌اند و خیلی جالب و پرفایده است. یکی صفحه ۴۱۳ است و یکی در صفحه ۵۲۲ است.

> **مسألة ۳۱؛ لا إشكال في إمكان اجتماع الغايات المتعددة للوضوء كما إذا كان بعد الوقت وعليه القضاء أيضا وكان ناذرا لمس المصحف وأراد قراءة القرآن وزيارة المشاهد، كما لا إشكال في أنه إذا نوى الجميع وتوضأ وضوءا واحدا لها كفى، وحصل امتثال الأمر بالنسبة إلى الجميع، وأنه إذا نوى واحدا منها أيضا كفى عن الجميع، وكان أداء بالنسبة إليها وإن لم يكن امتثالا إلا بالنسبة إلى ما نواه. ولا ينبغي الإشكال في أن الأمر متعدد [1]**

**«لا إشكال في إمكان اجتماع الغايات المتعددة للوضوء»؛** من سریع در می‌شوم و تنها می‌خواهم بزنگاه آن را بگویم. مرحوم سید در این دو مسأله حرفی را مطرح می‌کنند که غیرمانوس است. بین امتثال یک امر و ادا یک امر، تفاوت می‌گذارند. می‌گویند گاهی است که یک امری امتثال اما ادا شده. یعنی توصلی بوده؟ نه، تعبدی هم بوده اما با اینکه امتثال نشده ولی ادا شده است. هر دو مسأله این را دارند. مثال ایشان این است: **«كما إذا كان بعد الوقت وعليه القضاء أيضا وكان ناذرا لمس المصحف وأراد قراءة القرآن وزيارة المشاهد»؛** الآن قضا داری‌م، نذر مس مصحف کرده و می‌خواهد قرائت قرآن هم بکند و می‌خواهد مشاهد مشرفه هم مشرف شود. الآن می‌خواهد یک وضو بگیرد. **«لا إشكال في أنه إذا نوى الجميع وتوضأ وضوءا واحدا لها كفى»؛** یک وضو گرفته که برای همه کافی است. **«و أنه إذا نوى واحدا منها»؛** یکی از اینها را قصد کرده، **«أيضا كفى عن الجميع»؛** برای همه کافی است. **«و كان أداء بالنسبة إليها وإن لم يكن امتثالا إلا بالنسبة إلى ما نواه»؛** اگر چندتا بود و یکی ای دو تا را نیت کرد، امتثال آن امر هست اما برای غیر او ولو امتثال نیست اما ادا هست. این یک مورد از تفاوت بین امتثال و ادا است.

در صفحه ۵۲۴ هم فرق گذاشته‌اند:

> **لكن على هذا يكون امتثال بالنسبة إلى مأمور، وأداء بالنسبة إلى البقية، ولا حاجة إلى الوضوء إذا كان فيها الجنابة[2]**

**«لكن على هذا يكون امتثال بالنسبة إلى مأمور، وأداء بالنسبة إلى البقية»؛** چون قصد نکرده است. خب حالا من جلوتر میروم و اینها را عرض میکنم. انشاءالله مراجعه کنید. در ادامه وضو دو-سه قول را مطرح میکند. اختلافات حسابی هم در اینجا هست. میفرمایند: **«ولا ينبغي الإشكال في أن الأمر متعدد»؛** مرحوم حکیم فرمودند «بل في غاية الاشكال»؛ یعنی ایشان میگویند که امر یکی است. مرحوم آقای نائینی دارند: «بل لا ينبغي الإشكال في أن المتعدد حينئذ هو جهة مطلوبيته دون نفسه ودون الأمر به». این فرمایش سید از جاهایی است که اگر مراجعه کنید محل فکر حسابی است. بزرگان علماء درست ۱۸۰ درجه با هم مقابله کردهاند. البته برخی از آنها به بحث ما مربوط میشود و برخی از آنها دقتهای خاص خود محل است.

چیزی که جالب است، آخر کار است. مرحوم سید میفرمایند –البته بعد میگویند که همین قول خوب است- در نذر، برخی از علماء جلو انداختهاند. فرمودهاند:

> **وبعضهم إلى أنه يتعدد بالنذر ولا يتعدد بغيره، وفي النذر أيضا لا مطلقا، بل في بعض الصور، مثل إذا نذر أن يتوضأ لقراءة القرآن و نذر أيضا أن يتوضأ لدخول المسجد، فحينئذ يتعدد ولا يغني أحدهما عن الآخر، فإذا لم ينو شيئا منهما لم يقع امتثال أحدهما، ولا أداؤه، وإن نوى أحدهما المعين حصل امتثاله وأداؤه، ولا يكفي عن الآخر، وعلى أي حال وضوؤه صحيح، بمعنى أنه موجب لرفع الحدث. وإذا نذر أن يقرأ القرآن متوضئا ونذر أيضا أن يدخل المسجد متوضئا فلا يتعدد حينئذ ويجزي وضوء واحد عنهما وإن لم ينو شيئا منهما ولم يمتثل أحدهما، ولو نوى الوضوء لأحدهما كان امتثالا بالنسبة إليه، وأداء بالنسبة إلى الآخر، وهذا القول قريب[3]**

**«وبعضهم إلى أنه يتعدد بالنذر و لايتعدد بغيره، وفي النذر أيضا لا مطلقا، بل في بعض الصور»؛** چرا این را میگویم؟ بهخاطر اینکه برای تعددهای دیروز اگر این فرض در ذهنتان باشد خیلی راهگشاست. میگفتیم که آیا میتواند نافله ظهر و صبح با هم تداخل کند یا نه؟ در اینجا فرمایشی که سید قبول میکنند، این است: میفرمایند دو جور نذر میکنید، در یکی از آنها باید دو تا وضو بگیری و در دیگری باید یک وضو بگیری.

**«مثل إذا نذر أن يتوضأ لقراءة القرآن و نذر أيضا أن يتوضأ لدخول المسجد»؛** نذر کرده برای قرائت قرآن وضو بگیرد و نذر کرده که برای دخول به مسجد هم وضو بگیرد، حالا الآن دارد به مسجد برود، وضو میگیرد و میخواهد وقتی به مسجد رفت قرائت قرآن هم بکند. الآن دو وضو بگیرد یا یک وضو؟ نذر کرده برای قرائت قرآن وضو بگیرد، نذر کرده برای دخول در مسجد وضو بگیرد، الآن دو وضو بگیرد یا یکی؟ در اینجا میگویند دو تا. فرقش جالب است.

اگر به این صورت نذر کند، **«فحينئذ يتعدد ولا يغني أحدهما عن الآخر، فإذا لم ينو شيئا منهما لم يقع امتثال أحدهما، ولا أداؤه، وإن نوى أحدهما المعين حصل امتثاله وأداؤه، ولا يكفي عن الآخر»**؛ اصلاً برای آخری هم فایدهای ندارد. **«وعلى أي حال وضوؤه صحيح»؛** باطل نیست. یعنی حتی اگر هیچکدام را نیت نکند.

**«وإذا»**؛ این فرض دوم است که اگر یکی بگیرد کافی است. **«نذر أن يقرأ القرآن متوضئا ونذر أيضا أن يدخل المسجد متوضئا فالا يتعدد حينئذ»؛** نذر کرده که قرآن را متوضئا قرائت کند، نذر کرده که متوضئا داخل مسجد شود، خب حالا آلآن میخواهد داخل مسجد برود و قرائت قرآن هم بکند، چند وضو بگیرد؟ میگویند یکی کافی است. چه فرقی کرد؟

**شاگرد:** در آن جا نذر به خودش تعلق گرفته و در اینجا متوضئا حالش است.

**استاد:** بله، در آن جا سبب را در نذر، داخل کرده و میگوید برای دخول به مسجد وضو میگیرم، برای قرائت قرآن وضو میگیرم. اینها دو سبب هستند لذا باید دو وضو بگیرد. مرحوم سید همین را تقویت میکنند و مخالف هم دارند. علماء در اینجا مفصل حاشیه دارند. اما در دومی نمیگوید که برای قرائت، وضو میگیرم، میگوید نذر میکنم هر وقت که میخواهم قرائت قرآن بکنم باوضو باشم. هر قوت میخواهم به مسجد داخل شوم باوضو باشم. نه اینکه برای دخول وضو بگیرم. لذا در اینجا نذر تداخل میکند. چرا؟ چون من یک وضو میگیرم و با این وضو، متوضئا هستم که هم دخول مسجد صورت میگیرد و هم قرائت قرآن.

ولو ممکن است که در این مثال مناقشه بکنید اما برای نکتهای که دیروز صحبت شد، جلا دادنش خوب است. چرا بعض علماء گفتهاند وقتی میگوید «لدخول المسجد»، «لقرائة القرآن» باید دو وضو بگیرد؟ اما وقتی میگوید «متوضئا» و اینکه با وضو باشم، یکی کافی است؟ چرا این را گفتهاند؟ همانی است که عرض کردم؛ در اینجا میگویند آن چیزی که خود تکلیف را میآورد، سبب تکلیف، در آوردن آن استقلال دارد. بنابراین نمیشود در یک مأتی ّبه امتثال شود. پس در این مسائل عروه دو نکته هست، یکی تفاوت بین امتثال و اداء است، دیگری این است که ما این امر را چطور محقق کنیم.

> 31:53

در عروه هر سه مسأله را با هم نگاه کنید. مسأله پانزدهم، شانزدهم و هفدهم. آلآن میبینم که من اینها را نگاه کردهام. مرحوم شیخ در بحث نیت، در طهارت، در تداخل اسباب، مطالب خیلی خوبی دارند. من از آقای مرحوم حکیم یک مورد را میگویم. اگر نگویم حیف است. ایشان انواعی از تداخل اسباب را ذکر میکنند: مستمسک جلد دوم، صفحه ۴۸۷ و مستمسک جلد سوم، صفحه ۱۴۴. صفحه ۱۴۴ از این ناحیه خیلی جالب است. انشاءالله در منزل حتما ًنگاه کنید. چون مرحوم حکیم در صفحه ۱۴۴، پنج نوع از تداخل را در مسأله غسل، احتمال میدهند. درجایکه اغسال متعددی بر عهده او است، تداخل و مستفاد از نصوص کدام یک از آنها است، پنج احتمال را مطرح میکنند. این پنج مورد در بسط ذهن شریف شما و اینکه استظهار ایشان کدام است، خیلی نافع است.

---

[1] العروة الوثقی - جماعة المدرسین ج۱ ص۴۳۶

[2] همان ۵۵۵

[3] همان ۴۳۹

---

بازبینی #1
ایجاد شده 24 مه 2026 11:35:31 توسط ... .

. ... طس‌وت 11:42:09 ه‍م 24 م‍ی 2026 ب‍ه‌ روزرس‍ان‍ی‌ ش‍د‌ه‌